

منهای فوتبال

شروع پر گل هندبال در آسیا



تیم ملی هندبال مردان ایران در اولین بازی خود از رقابت‌های قهرمانی آسیا و انتخابی جام جهانی روز گذشته مقابل نیوزیلند به میدان رفت و در پایان با حساب ۵۳ بر ۲۱ به پیروزی رسید. ملی پوشان ایران از ابتدا برتری خود را به حریف نشان دادند و نیمه اول را با حساب ۲۲ بر ۱۱ راهی رختکن شدند. ایران در نیمه دوم هم تیم برتر میدان بود و ۳۱ امتیاز کسب کرد تا در نهایت ۵۳ بر ۲۱ به پیروزی رسید. تیم ایران در شرایطی مقابل نیوزیلند به پیروزی رسید که دو بازیکن خود را به دلیل تعلق در صدور ویزا از سوی کویت در اختیار نداشت. ویزای سعید حیدری را در (دروازه بان) و یونس آثاری (بازیکن) پنجشنبه شب صادر شد. این دونفر در این بازی در ترکیب تیم قرار نگرفتند. تیم ایران امروز (شنبه) در دومین بازی خود ساعت ۱۲:۳۰ مقابل بحرین به میدان می‌رود. میلاد مسائلی، یونس آثاری، پویانوروزی نژاد، محمدرضا اورعی، علی مهدی زاده، علی رحیمی کازرونی،...، کریم استکی، سجاد استکی، افشین صادقی، مهرداد حسینی، مجتبی حیدر پور، محمد امین فرهادی، سعیدعلی موسوی، مجتبی کرمان، سلمان بریط، محسن باباصفری، سعید حیدری راد و شاهو نصر تی ملی پوشان ایران در این رقابت‌ها هستند. هدایت تیم ایران را علیرضا حبیبی بر عهده دارد. مسابقات قهرمانی آسیا و انتخابی جام جهانی از ۲۷ دی ۷ بهمن در کویت برگزار می‌شود.

شمیدر در خانه به صدر نشین باخت

مسابقات بسکتبال لیگ برتر با شگاه‌های کشور با برگزاری دیدارهای هفته نهم پیگیری شد. در چار چوب این هفته از رقابت‌ها و در اولین و حساس‌ترین دیدار، تیم شمیمیدر در دیدار خانگی مقابل شهر داری گرگان همچون دیدار رفت متحمل شکست شد تا اینگونه جایگاه شاگردان مهران شاهین طبع در صدر جدول تثبیت شود. در این بازی که کاملاً نزدیک دنبال شد، گرگانی هو موفق شدند میزبان خود را ۸۶ بر ۸۰ از پیش رو بردارند و در صدر جدول یک‌تازی کنند. شمیمیدری‌ها در این بازی هم واورلی آستین یار خارجی خود را در اختیار نداشتند. همچنین شاگردان مهران حاتمی در پتروشیمی بندر امام که برای برگزاری دیدار با آکسون به تهران سفر کرده بودند، موفق شدند با کسب دو امتیاز کامل تالار آزادی را ترک کنند. آکسون با نتیجه ۵۳-۸۲ نتیجه را به مهمان خود واگذار کرد. «وروان و کیچ» اهل صربستان و «کیت امراه» بازیکن کاتادایی-نیجریه‌ای دو بار خارجی آکسون هستند که در این مسابقه به دلیل نامعلوم حضور نداشتند. در دیگر بازی حساس این هفته هم نفت آبادان قهرمان فصل گذشته رقابت‌ها مهمان اوپزه صنعت مشهد بود که در یک بازی نزدیک با نتیجه ۸۱-۸۳ به پیروزی دست یافت تا از کورس قهرمانی عقب نیفتد. شاگردان سامری با این برد، نوار پیروزی‌های مشهدیه‌ها را نیز قطع کردند. اما در تهران تیم مه‌رام طی یک بازی راحت با حساب ۸۰-۵۸ مس کرمان را شکست داد، در اصفهان خوب‌آهن در مسابقه‌ای که جدال تیم‌های هم سطح لیگ بود، ۶۶-۶۸ مغلوب شهر داری بندرعباس شد، شورا و شهر داری قزوین در خانه ۶۳-۵۶ توفارقان آذر شهر را شکست داد و رعد پدافند هوایی شهر کرد ۷۲-۶۰ نیروی زمینی را از پیش رو برداشت.

المپیک‌های ابر انسان!

محمدجعفر مرادی قهرمان دوی ماراتن جام هرمنز با گالیله‌ای یک برنامه صدواوسیما که در گذشته از او انتقاد کرده بود، گفت: «در برنامه شبکه سه که مجری آن آقای جوادانی بود، با همکاری رییس وقت فدراسیون برنامهریزی کرده بودند که به من وطن فروش بگویند، اما یک کمپین ایجاد شد که یک هفته بعد مجری برنامه عذرخواهی کرد. من در خصوص بیس فدراسیون مصاحبه کرده بودم و این اتفاق رخ داد.» او درباره کسب سهمیه المپیک افزود: «کور دورودی المپیک در دوی ماراتن بسیار سخت شده، اما امیدوارم با حمایت فدراسیون باز هم المپیک شوم. این رکورد نزدیک مدال برنز دوره قبل المپیک است. حتی چندی قبل سایت کمیته بین‌المللی المپیک نوشته بود کسانی که به این رکورد برسند، ابر انسان هستند.»

نسل‌های سوخته!

درباره مهم‌ترین بازیکنان تیم ملی امید که المپیک را از دست دادند

وقتی توپ مهدی قائدی در آخرین ثانیه‌های دیدار با تیم ملی امید چین از دست رفت، دیگر به نظر می‌رسید که هیچ امیدی برای باقی ماندن ایران در این تورنمنت وجود ندارد. باید ببینیم که این تیم از مدت‌ها قبل و با انتخاب حمید استیلی، عملاً حذف شده بود. این حذف تلخ، شانس حضور در المپیک را از ستاره‌های جوان زیادی گرفت. مهره‌هایی که شاید در میدان المپیک، فرصت خوبی برای دیده شدن و درخشیدن به دست می‌آوردند و در نهایت راهی فوتبال اروپا می‌شدند.



آرپا طاری

تیم ۲۰۲۰، پرستارترین تیم امید تاریخ فوتبال ایران به شمار نمی‌رفت اما بدون شک، یکی از پر تجربه‌ترین تیم‌های «امید» در دیدارهای انتخابی المپیک بود. تیمی که تقریباً همه بازیکنانش به صورت فیکس در لیگ برتر بازی می‌کنند و چند نفر از مهره‌هایش نیز تجربه بازی در فوتبال اروپا داشته‌اند. بسیاری از شاگردان حمید استیلی، این فصل جزو مهره‌های آماده لیگ برتر بوده‌اند

چهره به چهره

برای یک بازنده قابل پیش‌بینی؛ حمید استیلی

نسل‌کشی!

آرپا طاری

«این تیم نباید رها شود!» جمله محبوب مربی‌های شکست خورده، حالا توسط حمید استیلی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. برخلاف آنچه سرمربی تیم ملی امید می‌گوید، حداقل «کادرفنی» این تیم باید خیلی زود «ها» شود. چرا که هرگز در قواره‌های کار کردن در چنین سطحی نیست. استیلی، چند سال تلاش و برنامهریزی کرد تا در رقابت‌های قهرمانی ۲۳ سال آسیا، به عنوان «سرمربی» روی نیمکت امیدها بنشیند. نتیجه کوتاه آمدن فدراسیون مقابل این برنامهریزی، یک شکست تحقیرآمیز دیگر برای تیمی بود که این بار حتی از مرحله گروهی نیز زد نشد. خودمان را گول نزنیم. دلیل حذف امیدها هرگز تنها «تفاضل گل» نیست. این تیم حذف شد چون بی‌نظم، آشفته، بی‌روحیه، پر اشتباه و کم‌دقت بود.

خصوصیاتی که معمولاً یک مربی ضعیف، به تیمش تزریق می‌کند، چهره حمید استیلی در کنار زمین، هرگز چهره یک مربی «برنده» نیست. اگر خوب به او دست‌هایی که پشت کمرش گذاشته، نگاهی که آماده اشک ریختن است و حالت ایستادنش

اتفاق روز

وقتی نویر از کوره در می‌رود

طغیان در نزدیکی خط پایان

ظواهر آن جنجال هادست از سر مانوئل نویر بر می‌دارند و نه مانو، جنجال‌ها را به حال خودشان رها می‌کند. همین چند وقت پیش بود که در تیم ملی آلمان، یک چالش بزرگ بین نویر و تراشتگن شکل گرفت. دروازه اصلی بارسلونا در یک اظهار نظر اعلام کرد که از نیمکت نشینی در تیم ملی آلمان راضی نیست و همین مصاحبه، برای یک جنجال بزرگ کافی بود. کار به جایی رسید که حتی روسای باشگاه بایرن اعلام کردند در صورت انتقال نویر به نیمکت تیم ملی، دیگر هیچ بازیکنی به یواخیم لسو و تیمش نمی‌دهند. لوو نیز در نهایت رسماً اعلام کرد که مانو، هنوز مرد شماره یک دروازه تیمش به شمار می‌رود تا این

و نفراتی مثل نورافکن و محبی، حتی به اردوهای حساس تیم ملی بزرگسالان نیز رسیده‌اند. این، یکی از تیم‌هایی بود که می‌توانست طلسم رسیدن به المپیک را برای همیشه باطل کند اما در عمل باز هم یک انتخاب اشتباه برای نیمکت، شانس درخشیدن را از آنها گرفت. امید نورافکن پس از فصل درخشانی که در سپاهان سپری کرده بود، می‌توانست به عنوان کاپیتان تیم راهی المپیک شود. امید یک دوران ناموفق را در فوتبال اروپا سپری کرده اما هنوز بسیار جوان است و بدون تردید در سسال‌های پیش رو،

می‌تواند به اروپا برگردد. شاید رسیدن به المپیک، روند بازی گشت به فوتبال اروپا را برای این بازیکن، تسریع می‌کرد. مهدی قائدی نیز در لیگ برتر، مهار نشدنی بوده و المپیک می‌توانست حکم یک سکوی پرتاب جدی را برای این بازیکن جوان و با استعداد داشته باشد. از زمانی که به جای تیم‌های بزرگسالان، تیم‌های زیر ۲۳ سال در رقابت‌های المپیک شرکت می‌کنند، این رقابت‌ها همیشه برای استعدادیاب‌های باشگاه‌های اروپایی بسیار مهم تلقی می‌شود. تقریباً همه استعدادیاب‌های باشگاه‌های بزرگ،

اصلاً تیم کم‌ستاره‌ای به نظر نمی‌رسید. شاید رسیدن به المپیک، می‌توانست سرنوشت بسیاری از آن مهره‌ها را تغییر بدهد. مهدی تراسی و روزبه چشمی، ستاره‌های تیم خاکپور بودند. بازیکنانی که حالا در لیگ برتر می‌درخشند اما هرگز پای شان به رقابت‌های المپیک ۲۰۱۶ باز نشد. در انتخابی المپیک لندن نیز، احسان حاج‌صفی و کریم انصاری فرد ناکامی بزرگی را تجربه کردند. حذف ایران از آن رقابت‌ها نه به دلایل فنی، بلکه به خاطر اشتباه انضباطی در بازی دادن به کمال کامیابی نیا با وجود دو خطاره بودن رقم خورد. کریم و احسان حالا مهره‌های مهمی برای تیم ملی هستند اما آنها نیز حضور در المپیک را تجربه نکردند. در تیمی که برای المپیک ۲۰۰۸ می‌جنگید، مهره با استعدادی مثل میلاد میداودی وجود داشت اما شاید یکی از بزرگ‌ترین حسرت‌های تاریخ فوتبال ایران، به تیم ملی امید در انتخابی المپیک ۲۰۰۴ مربوط می‌شود. تیمی که با وجود در اختیار داشتن ستاره‌های درخشانی مثل جواد کاظمیان، مبعلی، کعبی و محرم نویدکیا، باز هم المپیک نشد

در تیمی که برای المپیک ۲۰۰۸ می‌جنگید، مهره با استعدادی مثل میلاد میداودی وجود داشت اما شاید یکی از بزرگ‌ترین حسرت‌های تاریخ فوتبال ایران، به تیم ملی امید در انتخابی المپیک ۲۰۰۴ مربوط می‌شود. تیمی که با وجود در اختیار داشتن ستاره‌های درخشانی مثل جواد کاظمیان، مبعلی، کعبی و محرم نویدکیا، باز هم المپیک نشد

نیز جایی در رقابت‌های المپیک ۸۸ پیدا نکرد.

فاصله‌ای که مدیریست غلط میان فوتبال ایران و المپیک به وجود آورده، بیشتر از همه به ضرر ستاره‌های فوتبال تمام شده است. ستاره‌هایی که هیچ وقت شانس ایستادن روی این سکوی پرتاب بزرگ را نداشته‌اند. باید شانس بیابوریم تا زمزمه‌های حذف رشته ورزشی فوتبال از المپیک، به حقیقت تبدیل نشود. اگر چنین اتفاقی رخ بدهد، شاید حسرت فوتبال ایران برای رسیدن به المپیک، «تبدیل» شود. هر چند که با شرایط فعلی و با این سبک از مدیریت فدراسیون، اگر فوتبال تا سال ۲۱۰۰ هم در المپیک باشد، باز هم فوتبال ایران نمی‌تواند خودش را به این رقابت‌ها برساند. شاید دیگر وقت آن رسیده که از انتخاب‌های تکراری و منجر به شکست در این تیم دست برداریم. ستاره‌های امید، سزوار مربیان بهتری هستند و باید در شرایط به مراتب ایده‌آل‌تری، برای رسیدن به المپیک تلاش کنند

دیگر را به طرف فوتبال ایران جذب کرد. استیلی حتی در ظاهر هم، مشکلی با جدایی زلاتکو کرانچار بر تجربه از نیمکت امیدها نداشت. این اتفاق او را یک قدم به سرمربیگری این تیم نزدیک‌تر کرد. فرهاد مجیدی، که گزینه دیگری بود که باید حذف می‌شد تا حمید، به هدف بزرگش برسد. نه اینکه فرهاد مربی ایده‌آلی باشد اما حداقل سرمربیگری را از مسیرهای علمی یاد گرفته و در کنار زمین، کارهای بیشتری از استیلی دارد. حمید پیش از این نیز، تاوان اصرار برای سرمربیگری در برزیل و ویاگزیلی علی دایی به خاطر رقابت نزدیک با حبیب کاشانی را داده بود. او می‌توانست مربی خوبی باشد اما هرگز برای این کار ساخته نشده بود. شاید اگر استیلی فقط کمی زودتر می‌پذیرفت که مربی کاملی نیست، امیدها هنوز در تورنمنت قهرمانی زیر ۲۳ سال آسیا حضور داشتند. حسرت المپیک، نیم‌قرن همراه فوتبال ایران است اما ماجرا، آنقدر راه هم پیچیده به نظر نمی‌رسد. این نفرین است و نه می‌تواند حاصل پدشاشی باشد. ما به المپیک صعود نمی‌کنیم، چرا که در این چند دهه هرگز نیمکت امیدها را در شرایط حساس، به مربیان کاربلد و پر تجربه نسپرده‌ایم. چهار سال بعد، حمید استیلی هم مثل امروز محمد خاکپور، از فوتبال دور شده اما حداقل در همین دوره، دو نسل از فوتبال ایران تاوان دو انتخاب قانع‌بخار برای نیمکت‌شان را با حذف از انتخابی المپیک داده‌اند. اتفاقی که در دوره‌های پیشین نیز پشت سر هم رخ داده است.

فردی‌اش در پست غیر تخصصی، تیم ملی امید را به خطر بیندازد؟ چرا محمد محبی زیر نظر امیر قلعه‌نویی در سپاهان، یک پدیده تمام عیار است و در هر مسابقه‌ای در خرداد امیر امید، جایگاهی ندارد و تا این اندازه ضعیف ظاهر می‌شود؟ چرا مهدی قائدی پس از آن نیم‌فصل رویایی و شگفت‌انگیز در لیگ برتر، در تیم ملی امید روی نیمکت می‌نشیند تا شاید در نیمه دوم به بازی گرفته شود؟ چه بلایی سر رضا شاکاری و اللهیار صادمنش آمده که حتی ساده‌ترین کارها را با توپ از یاد بردند. داستان استیلی و تیم ملی امید، روایت یک نسل کشتی دیگر بود. تیم پرستاره‌ای که می‌توانست با یک مربی خوب، نتیجه بگیرد و چشم‌ها را خیره کند. تیم پرستاره‌ای که برای موفقیت، همه چیز داشت به جز یک مربی حداقل متوسط، که بازل پیروزی را بچیند. در گذشته مربیگری حمید استیلی، هیچ اتفاق قابل دفاعی وجود ندارد و بدون تردید در آینده کاری نیز او وجود نخواهد داشت. استیلی اگر کمی و فقط کمی باهوش باشد، دیگر برای همیشه قید مربیگری را می‌زند و به دنبال پست‌های دیگری در فوتبال می‌رود. با انتخاب او به عنوان مدیر تیم ملی امید، این طور به نظر می‌رسد که استیلی، متوجه شده که استعداد چندانی در مربیگری ندارد و یک تصمیم هوشمندانه برای خودش گرفته‌است. کاری که او با کرانچار و در ادامه فرهاد مجیدی کرد، در نهایت به ضرر خودش و تیم ملی امید تمام شد. هم‌داستان شدن فدراسیون با برنامه‌های استیلی برای تصاحب نیمکت، یک ناکامی بزرگ

نگاه کنید، به سادگی متوجه می‌شوید که این مربی برای چنین میدان‌هایی ساخته نشده است. نگاه کردن به حمید استیلی حتی برای بیننده تلویزیونی هم روحیه خراب‌کن به نظر می‌رسد، چه برسد به بازیکن‌هایی که برای بردن بازی از دستورات او تبعیت کنند. استیلی، می‌دانست که هرگز در قواره‌های رقم زدن یک معجزه و شکست طلسم صعود به المپیک نیست. تیم ملی امید برابر ازبکستان، فرصت طلب نبود و موقعیت‌های زیادی را به سادگی از دست داد. برابر کره جنوبی، همه چیز ظرف چند دقیقه از دست رفت و در حالی که کره‌ای‌ها در جدال پایانی، به نفع امیدهای ایران کار کردند و همه امتیازهای بازی را از آن‌ها گرفتند، باز هم تیم ملی نتوانست از این مرحله رد شود. شاید اگر داور مسابقه در جدال باچین، برای ایران پناهی نگرفته بود، تیم ملی هرگز نمی‌توانست دروازه ربیبش را باز کند. در نگاه اول، این طور به نظر می‌رسد که ایران قربانی موقعیت‌های متعدد از دست رفته شده است اما این حجم از خراب کردن فرصت‌های ایده‌آل، اصلاً تصادفی به نظر نمی‌رسد. این بی‌دقتی آشکار از سوی بازیکنانی که در لیگ برتر تو سخت‌ترین توپ‌های ممکن را به بازیکن‌ها منتقل کرده است. حالا وقتش رسیده که حمید استیلی به سوال‌های زیادی پاسخ بدهد. حالا وقتش رسیده که از او بپرسیم، چرا امید نورافکن با این همه تجربه درخشش در میانه میدان، باید به قلب خط دفاعی منتقل شود و هر بار با اشتباه‌های



اماد نه‌توانست این جایزه از زشمندان به دست بیاورد. با این حال حتی برای بهترین‌ها نیز «خط پایان» وجود دارد و حالا مانو، به این خط نزدیک شده است. اصرار بایرن برای جذب نوبل به هر قیمتی، نشان می‌دهد که آنها دیگر به اندازه گذشته به مرد شماره یک خط دروازه، اطمینان ندارند.

نیز نزدیک می‌شود. این دروازه بان دیگر به حوالی پایان راه رسیده و دیگر درون زمین، یک هیولای تمام عیار نیست. بدون تردید نویر به عنوان یکی از بهترین گلرهای تاریخ فوتبال به یاد آورده خواهد شد. دروازه‌بانی که علاوه بر پست بازی‌اش، عملاً یک مدافع آخر فوق العاده برای تیمش بود. گلری که تا یک قدمی رسیدن به تسوب طلا هم رفت

فوتبال، اعلام کرده که باید حتی در دیدارهای دوستانه و حذفی نیز برای بایرن بازی کند و هیچ دلیلی وجود ندارد که یک دروازه بان دیگر، جای او را بگیرد. جنگ نویر و نوبل، خیلی زود علنی شده و ممکن است این ماجرا عواقب بدی برای بایرن مونیخ داشته باشد. یوونتوس که متخصص جذب مهره‌های ناراضی به شمار می‌رود، از نزدیک این تحولات را زیر نظر دارد و برای امضای قرارداد با نویر، تلاش می‌کند. بعید نیست این انتقال بزرگ، ناگهان در تابستان رسمی شود.

بایرنی‌ها که نیمکت نشینی مانوئل در تیم ملی را نمی‌پذیرفتند، حالا باور دارند که باید به سراغ یک جانشین برای او بروند. چرا که عملکرد نویر در ماه‌های گذشته، چندان امیدوارکننده نبوده است. درست مثل نویر، الکس نوبل نیز از باشگاه سالک که جذب شده و بایرنی‌ها امید زیادی به درخشش او در تیم‌شان دارند. هر چقدر که جنجال‌ها در اطراف نویر اوج بگیرند، پائلان دوران حرفه‌ای او